

نقش تجربه خشونت خانگی در پیش بینی افسردگی، اضطراب و استرس مردان خشونت گرا

دکتر سعید پورنقاش تهرانی*، مریم افتخاری**، دکتر مسعود غلامعلی لواسانی***

*دکتری روان‌شناسی بالینی، دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران
** کارشناسی ارشد مشاوره خانواده، دانشگاه تهران، تهران، ایران
***دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشیار گروه روان‌شناسی دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، تهران، ایران

چکیده

زمینه و هدف: پژوهش حاضر بر مردان خشونت گرا به عنوان نقطه بررسی و مداخله جهت متوقف کردن انتقال بین نسلی خشونت تاکید دارد و با هدف بررسی نقش تجربه خشونت خانگی در کودکی در پیش بینی افسردگی، اضطراب و استرس خشونت گرایان انجام شده است. روش بررسی: مطالعه حاضر به صورت توصیفی از نوع مقطعی است که در آن ۴۵ آزمودنی با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند در یک دوره ۴ ماهه انتخاب شدند. این مردان با توجه به مراجعه همسران آن‌ها به دادگاه خانواده و کلاتری‌ها و ارائه گزارش و در تعدادی از موارد با به همراه داشتن گواهی از پزشکی قانونی مبنی بر ضرب و شتم آن‌ها توسط همسرانشان انتخاب شدند و با اعلام رضایت خود برای شرکت در مطالعه به پرسش‌نامه‌های خشونت خانگی و داس پاسخ دادند. داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. یافته‌ها: نتایج نشان داد که متغیرهای شاهد خشونت بودن در پیش بینی خشونت جسمانی در بزرگسالی و قربانی خشونت بودن در دوران کودکی در پیش بینی افسردگی و اضطراب و استرس مطرح هستند. نتیجه گیری: از این یافته‌ها می‌توان جهت ایجاد و انجام درمان‌های موثرتر برای خشونت گرایان و آشناسازی آنان با پیامدهای رفتاری که خطر درگیر شدن کودکان در خشونت خانگی را افزایش می‌دهد استفاده کرد که این امر موجب کاهش انتقال بین نسلی خشونت خواهد شد. واژگان کلیدی: شاهد، قربانی، افسردگی، اضطراب، استرس، مردان، خشونت خانگی

تایید مقاله: ۹۴/۲/۷

وصول مقاله: ۹۲/۱۰/۲۳

نویسنده پاسخ‌گو: دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران، گروه روان‌شناسی، تهران، ایران

شماره تماس: ۰۳۴۴۲۲۵۰۳۲۴

spnaghash@ut.ac.ir

مقدمه

تحقیقات آغازین بر روی مردان خشونت گرا بر ویژگی‌های شخصیتی آن‌ها متمرکز شده بود. مطالعه این مردان به دلیل دخیل بودن متغیرهای مختلف در رفتار خشونت گرایان شامل عوامل شخصیتی، عوامل خانوادگی، تجارب اوایل کودکی، طبقه اجتماعی، طبقه اقتصادی و عوامل فرهنگی پیچیده است. به علاوه تفاوت‌های قوم نگاری از قبیل موقعیت‌های شغلی و سطح تحصیلات می‌تواند به عنوان متغیرهای واسطه‌ای در مقایسه مردان سوء استفاده‌گر و غیرسوء استفاده‌گر عمل کند (۷). خشونت خانگی عبارت است از: «رفتارهای هجومی و سرکوبگرانه از جمله حملات فیزیکی (جسمی)، جنسی و روانی و هم چنین اعمال فشار اقتصادی توسط هر فرد بالغ و جوان نسبت به فردی که با او ارتباط نزدیک و تنگاتنگ دارد» (۱۶). در این پژوهش منظور از شاهد خشونت بودن این است که کودک در خانه، خشونت میان اعضای خانواده را دیده یا شنیده باشد یا این که پیامدهای ناخوشایند

پدیده آزار و خشونت در خانواده از جلوه‌های آشکار نقض حقوق انسانی است که مخصوص جامعه و طبقه خاصی نبوده و در بسیاری از فرهنگ‌های دنیا به صورت آسیبی فردی، خانوادگی و اجتماعی به عنوان موضوعی رایج و شایع فراگیر است؛ شواهدی وجود دارد که ابعاد گسترده و فراگیر آزار و خشونت‌های جسمی، کلامی، روانی و جنسی نه تنها نهاد خانواده را دچار تزلزل و گسستگی روزافزون کرده است بلکه پیامدهای زبان‌بار و مخرب آن صدمات جبران‌ناپذیری بر روان‌های آسیب پذیر کودکان به وجود آورده است. از سوی دیگر با توجه به تجارب بالینی در این زمینه، این مشکل به صورت تسلسلی به نوعی نسل‌های بعد را تحت تاثیر قرار می‌دهد. تا اوایل دهه ۱۹۸۰ تحقیقات در مورد خشونت بر روی زنان کتک خورده متمرکز بود و

خشونت گرایان به منظور ارتقای موثر درمان ضروری است. ابزارهای متنوعی برای ارزیابی این افراد به کار گرفته شده است که شامل ارزیابی روانی اجتماعی، بازبانی سوابق، بازی نقش، مقیاس‌های ارزیابی، گزارشات قربانی، ارزیابی سوء مصرف مواد می‌باشد. ارزیابی روانی اجتماعی شامل خودگزارشی از مشکل فعلی و تاریخچه مربوط به آن می‌باشد. الف) دلایل مراجعه ب) رویدادهای قبلی خشونت ج) مدت روابط خشونت آمیز د) رویداد اخیر رفتار خشونت آمیز ه) بدترین رویداد رفتار خشونت آمیز در روابط فعلی و اخیر و) خشونت در روابط گذشته شامل سوء استفاده در کودکی و نادیده گرفتن رفتار خشونت آمیز در خانواده اصلی می‌باشد. این ارزیابی باید شامل موقعیت فعلی کاری مراجع، سیستم حمایت مالی و اجتماعی، تعداد فرزندان و موقعیت روابط فعلی فرد باشد. هم چنین هر گونه تاریخچه درمانی مربوطه شامل مشاوره قبلی برای خشونت خانگی، شرایط طبی، تجویز دارو، بستری شدن، آسیب سر، تاریخچه روان پزشکی و تاریخچه مصرف الکل و داروها نیازمند بررسی است (۶).

از نظر گلدمن (۴) خط زندگی^۱ ارزیابی کیفی است که می‌تواند در به دست آوردن تاریخچه ای وسیع از تجارب، روابط، وقایع گذشته و خواسته‌های مراجعین مورد استفاده قرار گیرد تا به آن‌ها در انعکاس وقایع اثرگذار گذشته‌ای آنان کمک نماید. بنابراین خط زندگی می‌تواند اطلاعات مهمی برای مشاوران در زمینه تاریخچه رشد مراجعان فراهم آورد. استیس و استراوس (۱۸) نشان دادند ارزیابی خشونت گرایان که شامل گزارشات شریک فرد و دادگاه یا پلیس می‌شوند، به طور دقیق تری تمام اشکال سوء استفاده را مورد بررسی قرار می‌دهند. با این وجود این پژوهشگران پیشنهاد می‌کنند که مشاوران هنگام درگیر کردن قربانیان در فرآیند مداخله با دقت بیشتری امنیت آنان را در نظر گیرند. در ادبیات خشونت خانگی رابطه بین تجربه خشونت در خانواده اصلی و خشونت زوجی مورد توجه قرار گرفته است. این یافته‌ها نشان می‌دهد مردان رشد یافته در محیط خانوادگی متخاصم نسبت به سایر مردان به احتمال زیادتری در پرخشگری نسبت به همسر درگیر می‌شوند (۲). علاوه بر این، تجربه خشونت در دوران کودکی می‌تواند بهداشت روانی قربانیان را نیز تحت تاثیر قرار دهد. به طوری که پژوهش‌ها حاکی است که با افزایش تجربه خشونت در کودکی میزان آسیب روانی افزایش می‌یابد (۱۵، ۱۴، ۱۰، ۵). پژوهش‌هایی نیز در زمینه عوامل پیش بینی کننده خشونت خانگی بر روی قربانیان همسر آزاری صورت گرفته که نشان می‌دهد اعتیاد و ابتلا همسر به مشکلات روان پزشکی به عنوان متغیر پیش‌بین در تجربه انواع بدرفتاری‌ها مطرح هستند (۱). با توجه به این که مطالعات انجام شده در مورد مردان بر اساس گزارش‌های زنان کتک خورده انجام شده است و هم چنین با انجام مروری بر پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه خشونت خانگی مشخص گردید که این پژوهش‌ها شاهد و قربانی بودن را به طور جداگانه در تحلیل‌هایشان مورد بررسی قرار نداده‌اند. این عوامل اغلب

ناشی از خشونت‌های اعمال شده علیه مراقب خود را درک کرده باشد و قربانی خشونت بودن بدین معنا است که فرد مستقیماً در معرض خشونت قرار گرفته باشد. تعداد زیادی از محققان بین تجربه خشونت در کودکی (شامل شاهد بودن خشونت یا از نظر فیزیکی مورد سوء استفاده قرار گرفتن) وارثکاب خشونت در بزرگسالی ارتباطی را گزارش کرده‌اند و این پدیده غالباً انتقال بین نسلی خشونت یا پرخشگری نامیده می‌شود. یکی از مکانیزم‌های فرض شده‌ی چنین انتقالی، یادگیری مشاهده‌ای است که اغلب به عنوان یادگیری از طریق الگو دارای دیدگاه یادگیری اجتماعی توصیف می‌شود. نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بیان می‌کند که کودک نه تنها ارتکاب خشم را یاد می‌گیرد بلکه هنگامی که آن را پاداش دهنده می‌بیند، نسبت به آن نگرش مثبت نیز خواهد یافت. این مطلب بیان می‌کند که کودکانی که شاهد خشونت هستند یا مورد سوء استفاده قرار گرفته‌اند، راه حل تعارض و الگوهای ارتباطی مخربی را می‌آموزند. استرنبرگ^۱ و همکاران (۱۹۹۷) بیان کردند که نظریه‌ی یادگیری اجتماعی بندورا پیش بینی خواهد کرد که هم مشاهده کنندگان و هم قربانیان متاثر خواهند بود (۱۲). در عین حال پژوهشگران تلاش کرده‌اند انواع خشونت گرایان را از یکدیگر متمایز کنند. هولتزورث مونرو و استوارت (۹) سه بعد توصیفی تمایز خشونت گرایان از هم را شناسایی کردند که شامل؛ ۱) شدت همسر آزاری و سوء استفاده‌های مربوطه ۲) عمومیت خشونت (فقط خانواده یا خشونت خارج از خانواده) ۳) ویژگی‌های آسیب شناختی یا اختلالات شخصیت. در این رابطه گاندولف (۱۹۹۲) به توصیف سه نوع از خشونت گرایان می‌پردازد. نوع اول خشونت گرایان معمولاً اختلال روانی قابل تشخیص و به احتمال زیادتری نسبت به اشخاص دیگر سوء مصرف مواد ندارند و نسبت به افراد خارج از خانه متخاصم نبوده و سابقه جنایی ندارند. نوع دوم خشونت گرایان دارای تمایلات ضد اجتماعی بوده و خشونت را به عنوان راه قابل قبولی برای برخورد با مشکلات می‌بینند. این افراد اختلال شخصیت قابل تشخیصی دارند و احتمالاً مشکلاتی در ارتباط با سوء مصرف مواد دارند با این وجود غالباً به دلیل دستگیر نشدن سوابق جنایی ندارد. خشونت این افراد شدیدتر از خشونت گرایان عادی است و به احتمال بیشتری به استفاده از سلاح و آسیب زدن به قربانی دست می‌زنند. چنین افرادی عذرخواه نبوده و اغلب قربانی را تهدید به کشتن می‌کنند یا خشونت بیشتری اعمال می‌کنند و بعد از خشونت تمایل به خواسته‌های جنسی دارند. آن‌ها خشونت خود را با باورهای مذهبی و استفاده از قدرت و کنترل در بسیاری از زمینه‌های زندگیشان توجیه می‌نمایند. نوع سوم خشونت گرایان ضد اجتماعی بوده و معمولاً اختلالات روانی قابل تشخیص، مشکلات سوء مصرف مواد و سوابق جنایی دارند. خشونت آن‌ها به مراتب شدیدتر و مکرر است که در نتیجه به احتمال بیشتری دستگیر شده و سوابق جنایی خواهند داشت (۱۳).

کوهن و همکاران (۱۹۹۲) و دراموند (۱۹۹۶)^۲ بیان کردند که ارزیابی

1 Sternberg

2 Cohen et al & Drummond

جدول ۱- ماتریس همبستگی بین شاهد خشونت بودن و افسردگی، اضطراب و استرس

متغیر	۱	۲	۳
۱-شاهد خشونت			
۲-افسردگی	۰/۳۵***		
۳-اضطراب	۰/۳۱*	۰/۶۸***	
۴-استرس	۰/۳۷***	۰/۶۸***	۰/۷۵***

حجم نمونه: ۴۵

دست آمد. این نکته موید روایی همگرایی پرسش نامه خشونت خانگی است. اعتبار این پرسش نامه بر اساس آلفای کرونباخ محاسبه شد که ضریب به دست آمده برابر با ۰/۸۷ بود (۱۶). در ادامه قابل ذکر است که برای ارزیابی شاهد یا قربانی بودن آزمودنی ها در دوران کودکی، ۲ سوال به این پرسش نامه افزوده شده است.

پرسش نامه افسردگی، اضطراب و استرس: این پرسش نامه که در سال ۱۹۹۵ توسط لاوی باند^۴ و لاوی باند با توجه به هم پوشی افسردگی و اضطراب ساخته شده، یک آزمون خودسنجی ۴۲ ماده ای برای اندازه گیری افسردگی، اضطراب و استرس است. نسخه ۲۱ سوالی آن از لحاظ ویژگی های روان سنجی در مطالعاتی چند مورد بررسی قرار گرفت. صاحبی (۱۷) در مطالعه ای بر روی ۱۰۷۰ مرد و زن به بررسی قابلیت اعتماد مقیاس DASS-21 از طریق همسانی درونی و اعتبار آن با استفاده از تحلیل عاملی و اعتبار ملاک با اجرای همزمان آزمون های افسردگی بک، اضطراب زانگ و تنیدگی ادراک شده پرداخت. همبستگی بین زیر مقیاس افسردگی DASS با آزمون افسردگی بک ۰/۷۰، زیر مقیاس اضطراب DASS با آزمون اضطراب زانگ ۰/۶۷ و زیر مقیاس تنیدگی DASS با آزمون تنیدگی ادراک شده ۰/۴۹ بودند.

یافته ها

به منظور آزمون این سوال که آیا شاهد و قربانی خشونت بودن در کودکی پیش بینی کننده خشونت خانگی است، همبستگی بین

برای ایجاد بعد واحدی از خشونت خانگی ادغام شده اند. به دلیل محدودیت پیشینه پژوهش در این زمینه، سوالات زیر مورد بررسی قرار گرفت: آیا شاهد و قربانی خشونت بودن در کودکی پیش بینی کننده خشونت خانگی است؟ آیا شاهد خشونت بودن در کودکی پیش بینی کننده اختلالات روانی خشونت گرایان است؟ آیا قربانی خشونت بودن در کودکی پیش بینی کننده اختلالات روانی خشونت گرایان است؟

روش بررسی

مطالعه حاضر به صورت توصیفی از نوع مقطعی با انتخاب ۴۵ نفر از مردان خشونت گرا از بین مردان مراجعه کننده به دادگاه خانواده و کلانتری های شهرستان سیرجان طی یک دوره ۴ ماهه و با استفاده از روش نمونه گیری هدفمند انجام گردید. این مردان با توجه به مراجعه همسران آن ها به دادگاه خانواده و کلانتری ها و ارائه گزارش و در تعدادی از موارد با به همراه داشتن گواهی از پزشکی قانونی مبنی بر ضرب و شتم آن ها توسط همسرانشان انتخاب شدند. در گروه مورد مطالعه، نمونه ها دارای دامنه سنی ۲۰ تا ۴۰ سال، سطح تحصیلات زیر دیپلم تا لیسانس و تعداد فرزندان ۱ تا ۴ نفر بودند. پس از اعلام رضایت آزمودنی ها برای شرکت در پژوهش با ارائه توضیحاتی در ارتباط با هدف پژوهش، اهمیت آن و محرمانه ماندن اطلاعات به دست آمده، از آنان خواسته شد تا با دقت به تکمیل پرسش نامه های خشونت خانگی و داس اقدام نمایند. در نهایت داده ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

ابزارهای سنجش

پرسش نامه خشونت خانگی: این پرسش نامه توسط پورنقاش تهرانی (۱۳۸۴) ساخته شده و از ۳۷ ماده تشکیل شده است که ۱۳ ماده آن خشونت روانی و ۲۴ ماده آن خشونت فیزیکی بین زوجین را مورد ارزیابی قرار می دهد. پاسخ به این پرسش نامه در مقیاس ۴ درجه ای لیکرت می باشد. محورهای این پرسش نامه بر اساس مطالعات کتابخانه ای و جستجوی کامپیوتری مشخص گردیده اند. این پرسش نامه با مقیاس تاکتیک های تعارض در یک گروه متشکل از ۵۰ زوج اجرا گردید و همبستگی بین نتایج این پرسش نامه و مقیاس فوق معادل ۰/۸۱ به

جدول ۲- نتایج رگرسیون افسردگی، اضطراب و استرس بر پایه شاهد خشونت بودن در کودکی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	R	R ²	F	B	t	معناداری
افسردگی	شاهد بودن	۰/۳۵	۰/۱۲	۵/۹۱	۰/۳۵	۲/۴۳	P< ۰/۰۱
اضطراب	شاهد بودن	۰/۳۱	۰/۱۰	۴/۴۹	۰/۳۱	۲/۱۱	P< ۰/۰۵
استرس	شاهد بودن	۰/۳۷	۰/۱۳	۶/۶۳	۰/۳۷	۲/۵۷	P< ۰/۰۱

مشاهده است. بر اساس یافته‌ها، شاهد بودن توانست در پیش بینی افسردگی ($\beta = 0/35, P < 0/01$)، اضطراب ($\beta = 0/31, P < 0/05$) و استرس ($\beta = 0/37, P < 0/01$) نقش قابل توجهی داشته باشد. میزان واریانس تبیین شده افسردگی، اضطراب و استرس توسط مشاهده خشونت بودن به ترتیب ۱۲، ۱۰ و ۱۳ درصد بود.

یافته‌های جدول ۳ نشان داد که قربانی خشونت بودن در کودکی با افسردگی ($\beta = 0/38, P < 0/01$)، اضطراب ($\beta = 0/48, P < 0/01$) و استرس ($\beta = 0/50, P < 0/01$) در بزرگسالی رابطه مثبت و معنادار داشت. به عبارت دیگر قربانی خشونت بودن با نمرات بالا در مقیاس افسردگی، اضطراب و استرس همراه بود.

تحلیل رگرسیون در سه نوبت و هر بار با یکی از سه متغیر ملاک (افسردگی، اضطراب و استرس) انجام شد. در هر سه تحلیل قربانی بودن به عنوان متغیر پیش بین در نظر گرفته شد. خلاصه نتایج رگرسیون در جدول ۴ قابل مشاهده است. بر اساس یافته‌ها، قربانی بودن در پیش بینی افسردگی ($\beta = 0/39, P < 0/01$)، اضطراب ($\beta = 0/48, P < 0/01$) و استرس ($\beta = 0/50, P < 0/01$) نقش قابل توجهی داشت. واریانس افسردگی، اضطراب و استرس توسط قربانی بودن به ترتیب ۱۵، ۲۳ و ۲۵ درصد تبیین شد.

بحث و نتیجه گیری

مشاهده خشونت بین والدین یک واقعه ضربه زنده برای کودک می‌باشد. تعداد زیادی از محققان بین تجربه خشونت در کودکی و ارتکاب آن در بزرگسالی ارتباطی را گزارش کرده‌اند و این پدیده غالباً انتقال بین نسلی خشونت نامیده می‌شود (۱۲). یکی از عوامل اثر گذار بر این پدیده رابطه پدر- فرزندی است. پدران نقش مهمی در زندگی عاطفی فرزندان خود دارند. داتن (۱۹۹۸) دریافت که ارتباط با پدر عامل مهمی در پرورش شخصیت بدر رفتار محسوب می‌شود. این مردان خاطراتی به یاد دارند که در آن‌ها پدران خود را سرد بدر رفتار توصیف کردند. مردانی که با پدران از نظر عاطفی دسترس ناپذیر رشد کرده بودند، فقدان گرمی از پدران خود به علاوه درگیری با احساسات درونی خصم، آسیب پذیری و بی کفایتی را گزارش کردند (۳). رابطه پدر فرزندی در این خانواده‌ها موضوع مهمی برای پژوهش محسوب می‌شود. یکی از عوامل تعدیل کننده پیامدهای تجربه خشونت خانگی در این کودکان جنسیت است.

جدول ۳- ماتریس هم‌بستگی بین قربانی خشونت بودن و افسردگی، اضطراب و استرس

متغیر	۱	۲	۳
۱- قربانی خشونت			
۲- افسردگی	0/39**		
۳- اضطراب	0/48**	0/68**	
۴- استرس	0/50**	0/68**	0/75**

حجم نمونه: ۴۵

متغیرهای مورد نظر محاسبه شد. بر اساس یافته‌ها شاهد خشونت بودن در کودکی با خشونت جسمانی ($\beta = 0/54, P < 0/01$) و خشونت روانی ($\beta = 0/51, P < 0/01$) در بزرگسالی رابطه مثبت و معنادار داشت. هم چنین رابطه قربانی خشونت بودن با خشونت جسمانی ($\beta = 0/51, P < 0/01$) و خشونت روانی ($\beta = 0/43, P < 0/01$) رابطه مثبت و معنادار بود. جهت بررسی سهم شاهد خشونت بودن و قربانی خشونت بودن در پیش بینی رفتار خشونت آمیز از تحلیل رگرسیون به شیوه گام به گام استفاده شد. بر اساس نتایج شاهد خشونت بودن ($\beta = 0/40, P < 0/01$) و قربانی خشونت بودن ($\beta = 0/36, P < 0/01$) هر دو توانستند در پیش بینی خشونت جسمانی نقش معناداری داشته باشند (گام دوم). در گام اول شاهد خشونت بودن به تنهایی وارد معادله شد و توانست ۲۹ درصد از واریانس خشونت جسمانی را تبیین کند. در گام دوم قربانی خشونت بودن نیز به عنوان متغیر پیش بین به معادله اضافه شد و توانست میزان واریانس تبیین شده خشونت جسمانی را به ۴۰ درصد افزایش دهد. شاخص F برای هر دو گام نشان داد که مدل به طور معنادار می‌تواند خشونت جسمانی را پیش بینی کند. شاهد خشونت بودن ($\beta = 0/51, P < 0/01$) در پیش بینی خشونت روانی نیز سهم قابل توجهی داشت و توانست ۲۵ درصد از واریانس خشونت روانی را تبیین کند.

به منظور بررسی سهم شاهد خشونت بودن در هر یک از اختلالات روانی از تحلیل‌های رگرسیون ساده استفاده شد. تحلیل رگرسیون در سه نوبت و هر بار با یکی از سه متغیر ملاک (افسردگی، اضطراب و استرس) انجام شد. در هر سه تحلیل متغیر پیش بین یکسان بود (شاهد خشونت بودن). خلاصه نتایج رگرسیون در جدول ۴ قابل

جدول ۴- نتایج رگرسیون افسردگی، اضطراب و استرس بر پایه قربانی خشونت بودن در کودکی

متغیر ملاک	متغیرهای پیش بین	R	R2	F	B	t	معناداری
افسردگی	قربانی بودن	0/39	0/15	7/49	0/39	2/74	$P < 0/01$
اضطراب	قربانی بودن	0/48	0/23	12/89	0/48	3/59	$P < 0/01$
استرس	قربانی بودن	0/50	0/25	14/60	0/50	3/82	$P < 0/01$

در این مورد این احتمال مطرح است که وجود دیدگاه‌ها و عقاید سنتی شایع در جامعه مبنی بر برابر دانستن مرد بودن با استفاده از روش‌های تنبیه فیزیکی همسر هنگام بروز اختلاف، علت اصلی استفاده از چنین خشونت‌هایی است. نتایج نشان داد که با افزایش شاهد بودن و قربانی بودن خشونت، اختلالات روانی خشونت‌گرایان افزایش می‌یابد. هم چنین قربانی بودن خشونت در دوران کودکی نسبت به شاهد خشونت بودن ارتباط بیشتری با افسردگی، اضطراب و استرس خشونت‌گرایان نشان داد. در همین راستا پژوهش‌ها نشان دادند که با افزایش تجربه خشونت در کودکی، میزان آسیب روانی افزایش می‌یابد (۱۲، ۱۱، ۸). نکته‌ی قابل تامل در یافته‌های مربوط به سوال اول این است که شاهد بودن خشونت خانگی ارتباط بیشتری با اعمال خشونت جسمانی دارد در حالی که یافته سوال سوم حاکی از ارتباط قربانی خشونت شدن با اختلالات روانی است. این نتایج را می‌توان به این صورت تبیین کرد که پیامدهای خشونت خانگی در افراد شاهد خشونت در قالب رفتار برون ریز و در افراد قربانی خشونت به صورت رفتارهای درون ریز نمود پیدا کرده است. تجربه خشونت در دوران کودکی خصوصاً اگر به شکل قربانی خشونت قرار گرفتن باشد می‌تواند از طریق لطمه زدن به عزت نفس و ایجاد احساساتی نظیر خشم، خصومت، بی‌اعتمادی، احساس درماندگی، زمینه ساز ایجاد اضطراب و افسردگی در آینده شود. با توجه به این که کاربرد یافته‌های پژوهش‌هایی با این موضوع موجب کاهش انتقال خشونت بین نسلی خواهد شد، پیشنهاد می‌شود در مطالعات بعدی به شناسایی متغیرهایی پرداخته شود که ارتباط بین خشونت خانواده اصلی و خشونت مرد نسبت به همسر را کاهش می‌دهد.

کارلسون (۱۹۹۱) در پژوهش خود با بررسی تفاوت تجربه خشونت خانگی در دختران و پسران به این نتیجه رسید که پسران در مقابل این تجربه رفتارهای برون‌ریز و دختران رفتارهای درون ریز بیشتری نشان می‌دهند (۷). این یافته‌ها کاربردهایی را برای موضوع انتقال بین نسلی خشونت فراهم می‌آورند که در روابط بزرگسالی، دختران را در معرض خطر قربانی شدن و پسران را در معرض خطر ارتکاب خشونت خانگی قرار می‌دهد. وجود چنین عواملی در طی دوران کودکی روایت این افراد را در درجات مختلف شکل می‌دهد که موجب درد و پریشانی آشکار آن‌ها نه تنها برای خود بلکه دیگرانی که دوستشان می‌دارند، می‌شود. با توجه به اهمیت موضوع، پژوهش حاضر بر مردان خشونت‌گرا به عنوان نقطه بررسی و مداخله جهت متوقف کردن انتقال بین نسلی خشونت تاکید دارد. در پاسخ به سوال اول از پرسش‌نامه خشونت خانگی استفاده شد و یافته‌ها بیانگر این است که با افزایش احتمال تجربه (شاهد یا قربانی) خشونت در کودکی، احتمال اعمال خشونت مردان نسبت به همسرانشان افزایش می‌یابد. یافته‌های این پژوهش در راستای نتایج مطالعات پیشین است (۱۶، ۴) که ارتباط معناداری را میان خشونت خانگی و شاهد و قربانی خشونت بودن در دوران کودکی نشان دادند. هم چنین در این پژوهش بیشترین همبستگی بین شاهد خشونت بودن در کودکی و ارتکاب خشونت جسمانی در بزرگسالی وجود داشت. این یافته در تایید نظریه انتقال بین نسلی خشونت است که قائل به ارتباط بین تجارب خشونت در کودکی و اعمال آن در بزرگسالی است (۱۲). تحقیقات اشتراوس و گلس (۱۹) حاکی از استفاده مردان از روش‌های تنبیه فیزیکی نسبت به همسرانشان است.

Reference

- 1-Atef vahid M, Ghahari SH, Zareidoost E, Bolhari J Karimi-kismi E. The Role of Demographic and Psychological Variables in Predicting Violence in Victims of Spouse Abuse in Tehran. Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology. 2011; 16: 403- 411. [Persian]
- 2-Delsol C, Margolin G. The role of family-of-origin violence in men's marital violence perpetration. Clinical Psychology Review. 2004; 24: 99-122.
- 3-Dick, G. Men's Relationships with Their Fathers: Comparing Men Who Batter Women with Non-Violent Men. Journal of Emotional Abuse. 2004; 4(1):61-84.
- 4-Ernst MD, Weiss MD, Hall MD J, Clark R C B, Goldstein MD L, Hobley MD K, Dettmer MD T, Lehrman MD C, Merhege M, Corum MD B, Rihani T, Valdez. Adult intimate partner violence perpetrators are significantly more likely to have witnessed intimate partner violence as a child than nonperpetrators. American Journal of Emergency Medicine. 2009; 27: 641-650.
- 5-Fergusson D M, Horwood J. Exposure to interparental violence in childhood and psychosocial adjustment in young adulthood. Child abuse & neglect. 1998; 22(5): 339-357.
- 6-Goldman L. Qualitative assessment: An approach for counselors. Journal of Counseling & Development. . 1992; 70(5): 616-621.
- 7-Guille Lara. Men who batter and their children: An integrated review. Aggression and Violent Behavior, 2004; 9: 129-163.
- 8-Harkness K.L, Wildes JE. Childhood adversity and anxiety versus dysthymia co -morbidity in major depression. psychological medicine. 2002; 32(7): 1239-1249.
- 9-Holtzworth-Munroe A, Stuart G L. Typologies of

- male batterers: Three subtypes and differences among them. *Psychological Bulletin*. 1994; 116: 476-497.
- 10-Mafi M, Akbarzadeh N. Psychological characteristics of perpetrators of Domestic violence. *Psychological studies*. 2005; 1(4&5):71-86. [Persian]
- 11-Mbilinyi LF, Logan-Greene PB, Neighbors C, Walker D, Roffman R A, Zegree J. Childhood Domestic Violence Exposure among a Community Sample of Adult Perpetrators: What Mediates the Connection?. *Journal of Aggression, Maltreatment & Trauma*. 2012; 21:171-187.
- 12--Murrell Amy R, Christoff Karen A, Henning Kris R. Characteristics of domestic violence offenders: Association with childhood Exposure to violence. *Journal of family violence*. 2007; 22:523-532 .
- 13-Peterman, Linda M, Dixon Charlotte G. Assessment and Evaluation of Men Who Batter Women. *Journal of Rehabilitation*. . 2001;67(4): 38-42.
- 14-Pournaghash-Tehrani S. Domestic violence: Assessment of Attributions, Types and Reactions. *Journal of Applied Sciences*. 2007; 7(2): 248-252.[Persian]
- 15-Pournaghash S, Feizabadi Z. Predictability of physical and psychological violence by early adverse childhood experiences. *Journal of family violence*. 2009; 24: 417-422. [Persian]
- 16-Pournaghash-Tehrani S. Violence against women in Tehrani families. *Daneshvar Raftar Journal of Shahed university*. 2005; 12(13):23-36. [Persian]
- 17-Sahebi A, Asghari M, Salari R. Validation of depression anxiety and stress scale(DASS- 21) for an Iranian population. *Journal of Iranian psychology*. 2005; 4:299-312. [Persian]
- 18-Stith S R, Straus M A (Eds). *Understanding partner violence: Prevalence, causes, consequences and solutions*. Minneapolis, MN: National Council on Family Relations. 1995: 262-273.
- 19-Straus M A, Gelles RJ. Societal change and change in family violence from 1975 to 1985 was revealed by two national surveys. *Journal of family and violence*. 1986; 48: 465-479.

The Role of childhood Exposure to Domestic Violence in Predicting Depression, Anxiety & Stress in Men With Violent Behavior

Saied Pournaghash –Tehrani*† Maryam Eftekhari** Massod Gholam Ali Lavasani***

*PhD in Clinical Psychology, Associate Professor of Psychology Department, Tehran University, Tehran, Iran

**MA in Family Counseling, Tehran University, Tehran, Iran

*** PhD in Educational Sciences, Associate Professor of Psychology Department, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

Background: The present study was carried out with an emphasis on violent men exposed to domestic violence during childhood as the point of intervention to stop transmission of violence between generations in order to determine the role childhood exposure to domestic violence in predicting depression, anxiety and stress in this group of men.

Methods: This is a cross-sectional descriptive study, including 45 subjects selected within a 4 month period using a purposive sampling method. These men were selected because their wives had officially complained about battery and violence and in some cases with medical evidence of physical violence. They had accepted to complete the domestic violence and DASS questionnaires. The data were analyzed using Pearson's correlation coefficient and regression analysis.

Findings: The results revealed that the variables like witnessing domestic violence must be considered as important in predicting violent behavior in adulthood and being a victim of domestic violence in childhood is a variable that can be used to predict depression, anxiety and stress later.

Conclusion: These finding can be used to develop and implement more effective treatments for violent behavior and informing people about consequences of behaviors that increase the risk of involving children in domestic violence, leading to decrease in transmission of violence between generations.

Keywords: witness, victim, depression, anxiety, Stress, Men, domestic violence

Received: 13 Jan 2014

Accepted: 27 April 2015

†Correspondence: Department of Psychology, Faculty of Psychology & Educational Sciences, in front of the Nasr Dormitory, Tehran University, Jalal Al-e Ahmad Highway, Tehran, Iran

Tel: 03442250324

Email: spnaghash@ut.ac.ir

پرسش نامه خشونت خانگی

سن: ازدواج چندم: شغل: میزان تحصیلات: میزان درآمد: تعداد فرزندان ازدواج اول: تعداد فرزندان ازدواج دوم: مدت زمان ازدواج: عبارت

ردیف	عبارت	اتفاق نیفتاده	یک بار	دو تا چهار بار	پنج مرتبه و بیشتر
۱	هل دادن				
۲	کتک زدن				
۳	فشار دادن گلو یا فشار دادن بازو				
۴	پرتاب آب دهان				
۵	مشت زدن				
۶	کشیدن موی سر				
۷	گاز گرفتن				
۸	لگد زدن				
۹	تکان دادن سر همسر				
۱۰	کوبیدن سر همسر تان به دیوار				
۱۱	خفه کردن				
۱۲	پرتاب و یا هل دادن همسر بر روی زمین				
۱۳	پرت کردن همسر در اتاق				
۱۴	به دیوار و یا بر روی زمین چسباندن همسر				
۱۵	آویزان کردن همسر از پا، بازوها				
		اتفاق نیفتاده	یک بار	دو تا چهار بار	پنج مرتبه و بیشتر
۱۶	نشستن و یا ایستادن بر روی همسر				
۱۷	پیچاندن دستها، بازوها و یا انگشتان همسر				
۱۸	بستن دستهای همسر با طناب و یا وسایل دیگر				

				۱۹	پرتاب اشیاء (هرگونه شیء)
				۲۰	زدن با اشیاء
				۲۱	سوزاندن (مانند سیگار و یا هر شیوه دیگر)
				۲۲	تهدید و یا استفاده از چاقو و سایر اجسام برنده
				۲۳	تهدید و یا استفاده از اسلحه گرم
				۲۴	کنترل تلفن‌های همسر
				۲۵	زدن کردن همسر در خانه، اتاق و جلوگیری از خروج وی از منزل
				۲۶	فحاشی کردن
				۲۷	قهر کردن
				۲۸	قطع ارتباط جنسی
				۲۹	تحقیر همسر در منزل
				۳۰	تحقیر همسر در حضور دیگران
				۳۱	کم ارزش کردن کارهای همسر
				۳۲	سلب کلیه (ویا پاره‌ای) از اختیارات همسر (مانند حق انتخاب محل زندگی، مسایل مالی، داشتن حساب بانکی، حق انتخاب لباس و غیره) به مدت طولانی
				۳۳	وادار کردن همسر به انجام کارهای خانه (مانند تمیز کردن، غذا پختن و غیره) به مدت طولانی
				۳۴	وادار کردن همسر به استفاده از مواد مخدر
				۳۵	وادار کردن همسر به استفاده از الکل
				۳۶	وادار کردن همسر به فروختن مواد مخدر
		بلی	خیر	۳۷	آیا در کودکی شاهد خشونت بوده اید؟
		فیزیکی	روانی	۳۸	آیا در کودکی مورد خشونت قرار گرفته اید؟ اگر پاسخ شما بلی است، نوع آن را مشخص کنید: